
بررسی گفتار پوپولیستی در مطبوعات ایران در سال ۱۳۸۷

آنی میرزاخانیان*، دکتر صادق زیباکلام**، دکتر محمد سلطانی فر***

چکیده

در این پژوهش، محقق به بررسی گفتار پوپولیستی در مطبوعات ایران در سال ۱۳۸۷ پرداخته است. هدف کلی این تحقیق عبارت است از تعیین میزان پرداختن دو روزنامه دارای گرایش‌های سیاسی متفاوت به موضوعات مختلف پوپولیستی و مقایسه آنها با یکدیگر. بنابراین سؤال اصلی آن است که گفتار پوپولیستی در مطبوعات ایران در سال ۱۳۸۷ در کدام یک از روزنامه‌های اعتماد ملی و کیهان از پتانسیل بیشتری برخوردار بوده است؟

در گام بعدی در پاسخ به سؤال اصلی تحقیق، فرضیات تنظیم و سپس شاخص‌های پوپولیسم در این تحقیق تعیین شد. برای بررسی صحت فرضیات مطرح شد، با استفاده از روش تحلیل محتوا، از ۲۸۲ شماره منتشر شده هر روزنامه در روزهای دوشنبه، از طریق فرمول کوکران ۵۲ شماره از هر روزنامه برای تحلیل محتوای متن، به طور تصادفی ساده انتخاب شد. این دو روزنامه، هم از لحاظ تکرش سیاسی و هم رویکردهای فرهنگی و اجتماعی، همچنین از نظر ساختار روزنامه‌ای (آنچه به چاپ رسیده و منتشر می‌شود) وضعیت متفاوتی داشتند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که روزنامه کیهان بیش از روزنامه اعتماد ملی پتانسیل توجه به مقولاتی را دارد که به نوعی تأکید و تأیید بر گفتار پوپولیستی محسوب می‌شود. در واقع پتانسیل گرایش به پوپولیسم رسانه‌ای در روزنامه کیهان بیشتر بود.

کلید واژه‌ها:

پوپولیسم، گفتار پوپولیستی، مطبوعات، گرایش‌های سیاسی،

* دانشجوی دکتری رشته علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

ani.mirzakhani@gmail.com

** عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، ایران. zibakalam1@yahoo.com

*** عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. msoltanifar@yahoo.com

www.SID.ir

مقدمه

پوپولیسم، توده گرایی¹ یا مردم انگیزختگی در مقوله مفاهیم سیاسی جای دارد و آن گونه که «هربرت شیلر» تشریح می کند بر این فرض اولیه استوار است که «عامه مردم افرادی ناآگاه، منفعل و فاقد قدرت تشخیص اند.» (تاگارت، 1381: 14) از سوی دیگر، وجه مشخصه یک پوپولیست میل به «دیده شدن» در برابر آنانی است که بیشتر مجذوب «جذابیت بصری مبتنی بر احساسات» هستند تا «تحلیل ذهنی». به عبارت دیگر، مردم انگیزختگی آرایه تصاویری خوب به آنانی است که «خوب نمی بینند». در منابع معتبر دیگری پوپولیسم را مردم باوری، مردم گرایی، مکتب مردمی، و ... معنا کرده اند. در علوم سیاسی اصولاً یک پوپولیست بیش از آنکه به انتشار افکار خویش یا ارائه ابعاد راهبردی در زمینه سیاست و نظایر آن بیندیشد، تمایل دارد که چهره وی با تحریک احساسات درونی و به شکل نمایشی در برابر توده های عظیمی از مردم به نمایش درآید و همین مسائل کافی است تا مقوله رسانه-آن گاه که در اختیار قدرت و معتقدان به باورهای پوپولیستی قرار می گیرد- به ابزاری قدرتمند برای گسترش موقتی این باور درآید. اما علاوه بر انگیزه های سیاسی، جنبه تجاری و سودجویانه ای نیز در این رویکرد به چشم می خورد که شاید چندان هم سیاسی نباشد و در همین موارد است که بیش از مفهوم سیاسی پوپولیسم، مفهوم اجتماعی «مردم برانگیزختگی» یا تحت الشعاع قرار دادن آنی مردم موضوعیت می یابد.

به هر رو، وجود مردم عنصر لازم و جدایی ناپذیر بیشتر تحولات و رخدادهای سیاسی - اجتماعی و شورش ها و انقلاب هایی است که در طول تاریخ در تمام گستره این کره خاکی به وقوع پیوسته است. اما «تمام انقلاب هایی که به اسم مردم صورت پذیرفته و تمام شورش هایی که میدان دار اصلی آن همین مردم بوده اند، هر یک به نامی و عنوانی متفاوت مشخص و دسته بندی شده اند. باینکه در هر یک از این شورش ها و تحولات، گفته شده است که همه چیز و همه کس مردم اند و چیزی خارج از خواست و اراده آنها مدنظر کسی نیست و هر چه انجام داده می شود برای برآورده کردن همان خواست است، وقتی به نتیجه کارها و روند تصمیم گیری ها دقت می شود، تفاوتها آشکار و روشن می شود، همین جاست که خاستگاه بسیاری از این «ایسم»ها به شمار می آید؛ ایسم هایی که شعار، هدف و بنیان وجودی هر یک از آنها مردم است. از میان همه آن ایسم ها، آنکه بیش و پیش از همه به چشم می آید و نام و عنوانش اغلب یادآور مردم است چیزی جز پوپولیسم نیست. تاریخ ظهور این پدیده را اواسط سده نوزدهم و برخاسته جنبش های مختلفی می دانند که در سرزمین هایی مثل شوروی سابق به وقوع پیوسته است» (میرزاخانی، 87).

بنابراین در پوپولیسم یکسره سخن از «مردم» است و خواست و اراده آنها مورد نظر است. مردم همه چیزند و چیزی بیرون از آنها و خواستشان وجود ندارد و هرچه و هرکس هم که بخواهد مقابل این سخن بایستد، می‌شود دشمن مردم، دشمن ملت، دشمن خواست و اراده همه آحاد یکپارچه و یک شعار و یک هدف مردم. اراده مردم بر هر چیز قرار بگیرد همان باید تحقق یابد و نه تنها کسی نباید با آن مخالفتی بورزد، بلکه اساساً کسی نیست که چنین کاری بکند؛ چرا که هر عضو جامعه یکی از مردم است و از آنجا که مردم همه یکپارچه و یک‌رنگ هستند، شعار یکی شعار همه است و تصور وجود «صدایی دیگر» در چنان جامعه‌ای از همان آغاز برچیده می‌شود.

پس در چنین نظام‌هایی چند صدایی، چندگونی و تفاوت و دیگر گونه‌اندیشی رنگ می‌بازد. نظام پوپولیستی همه را یک رنگ و یک صدا می‌خواهد و می‌بیند. تفاوت‌ها یا باید نادیده گرفته شوند یا محو و از صفحه هستی کنار گذاشته شوند، چه آنکه این تفاوت‌ها، این صداهای مخالف، همه، خلاف خواست جمع و جماعت حرکت می‌کنند؛ همه قصد ایجاد تفرقه دارند؛ از یک‌رنگی، از مردم و اتحادشان، از برآمدن خواست مردم نگرانند و غم مردم را ندارند، بلکه به دنبال نیازها و امیال شخصی خویش هستند و همه مخالفت‌هایشان از همین جا ریشه می‌گیرد. نظام پوپولیستی نظامی است که از تناقض آرا و وجود انواع گوناگون‌اندیشه‌ها نه تنها شاد نمی‌شود بلکه می‌ترسد. اختلاف‌اندیشه‌ها معنایی ندارد، همه باید همانی را بگویند که «مردم» می‌گویند و مردم یک اسم جمع است. اسمی که خودش مفرد است. مفردی که در قالب رهبر آن جنبش سخن می‌گوید و خواسته آن اسم جمع را به گوش همه می‌رساند. در چنین نظامی اختلاف رنگ، نژاد، طبقه، ثروت و ... نباید به چشم بیاید و همه باید مثل هم باشند.

«رسانه‌های توده‌ای» یا «رسانه پوپولیستی» به طور محسوس و آشکار از دوران جنگ جهانی اول در جهان ظاهر شدند. بسیج توده‌ها برای نبرد و جنگ با دیگر کشورها و حتی مخالفان داخلی مهم‌ترین اهداف به شمار می‌آمد. مهم‌ترین نماد و مصداق این نوع ابزار رسانه‌ایی در جهان ژوزف گوبلز وزیر تبلیغات دوران هیتلر در آلمان بود. رهبران افکار در این مکتب غالباً به متفکرانی چون گوستاو لوبون و گابریل تارد استناد می‌می‌کنند.

رسانه‌های پوپولیستی کمترین رسالتی که برای خود قائل‌اند آن است که جامعه ناهمگن را به سوی یک دستی و همگنی پیش ببرند.

در نتیجه آنچه در این تحقیق مدنظر است، بررسی گفتار پوپولیستی در مطبوعات ایران در سال 1387 است. توده‌گرایی در دنیای مدرن از طریق رسانه‌ها رشد کرده و جای خود را در عرصه سیاست و جامعه باز می‌کند، از همین طریق بازتولید می‌شود و در لایه‌های مختلف اجتماعی نفوذ می‌کند. از همین رو، وجوه گفتمان توده‌گرا را می‌توان در بازخوانی رسانه‌ها و شکل پرداختن آنها به موضوعات مختلف نیز

طرح مسئله

شناخت پوپولیسم و نقش رسانه‌ها در ایجاد و گسترش آن یکی از مسائل اساسی در مباحث توسعه سیاسی است. در ایران طی سالهای اخیر اگرچه در خصوص جنبه‌های مختلف حکومت کار و نظریه پردازی شده، از حیث کاربرد شیوه پوپولیستی کمتر در مورد حکومتها و نقش پوپولیسم تعمق شده است. بنابراین در این تحقیق تأکید عمده بر پوپولیسم، نقش آن به عنوان یک راهبرد و عملکرد رسانه‌ها در ایجاد و گسترش فرهنگ پوپولیستی است.

آنچه مطالعه و تحقیق در مورد پوپولیسم رسانه‌ای را بیش از گذشته ضروری می‌سازد، گسترش روزافزون این پدیده در رسانه‌های دولتی ایران است. در دهه اخیر، پوپولیسم در مطبوعات دولتی ایران و سه دهه در رسانه‌های دیداری و شنیداری ایران گسترش فراوانی یافته است. لذا سعی بر این است که جنبه‌های مختلف گفتار پوپولیستی به کار گرفته شده در مطبوعات ایران مورد بررسی قرار گیرد.

چارچوب نظری

نظریه‌های هنجاری

نظریه‌های هنجاری بیشتر به تشریح بایدها و نبایدهای حاکم بر وسایل ارتباط جمعی در شرایط مختلف می‌پردازد و اینکه چگونه هنجارهای حاکم بر جامعه بر ساخت و کارکرد رسانه‌ها تأثیر می‌گذارد. «دنيس مک کوئیل» این نظریه‌ها را به شش گروه تقسیم می‌کند: 1. نظریه استبدادی 2. نظریه رسانه‌های آزاد 3. نظریه مسئولیت اجتماعی 4. نظریه رسانه‌های شوروی 5. نظریه رسانه‌های توسعه بخش 6. نظریه مشارکت دموکراتیک (مک کویل، 1382).

از میان شش رویکرد مطرح شده در نظریه هنجاری به بیان رویکرد استبدادی می‌پردازیم.

1. رویکرد استبدادی (اقتدارگر): در این رویکرد، رسانه‌ها نقش آمرانه‌ای در اعمال قدرت بر جامعه دارند. مستقل بودن رسانه‌ها و وابستگی آنها به نظام دولتی، از جمله ویژگی‌های این گونه رسانه‌هاست. بر پایه این رویکرد، حقیقت و قدرت، دو روی یک سکه هستند و هر چه افراد به کانون قدرت نزدیک‌تر باشند، دسترسی آنها به حقیقت نیز بیشتر است. در واقع، پیوند حقیقت و قدرت، توجیهی است برای هدایت مطبوعات از بالا.

مالکیت مطبوعات عمدتاً در دست دولت است و هر گونه اعتراض و انتقادی به مثابه تهدیدی برای امنیت و ثبات دولت به شمار می‌رود.

اصول اصلی (بایدها):

1. رسانه‌ها نباید کاری کنند که باعث تحلیل رفتن دولت موجود شوند یا برای نظام مزاحمت ایجاد

2. رسانه‌ها باید تابع قدرت باشند.
3. رسانه‌ها باید از توهین به ارزش‌های عمومی، حاکمان و... بپرهیزند.
4. برای اجرای اصول فوق، اعمال سانسور موجه است.
5. حمله به دولت، انحراف از سیاستهای رسمی و... جرم محسوب می‌شود.
6. استقلال روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها نفی می‌شود.

اشکال کنترل دولت بر مطبوعات:

- 1- وضع قانون؛
- 2- کنترل بدون واسطه تولیدات؛
- 3- وضع مالیات و انواع مجازات‌های اقتصادی؛
- 4- واردات کنترل شده رسانه‌های خارجی؛
- 5- حق دولت در انتصاب اعضای سردبیری؛
- 6- معلق نگه‌داشتن انتشار.

نظریه جامعه توده‌وار

جامعه توده‌وار، جامعه‌ای است که در آن سازمانها و جماعاتی که واسطه میان فرد و برگزیدگان حاکم هستند، به دلایل مختلف اجتماعی و تاریخی از میان رفته‌اند و افراد بدون واسطه‌هایی مثل اتحادیه‌های کارگری، باشگاهها، کلیسا و مساجد، که حائل بین آنها و حکومت باشند، تنها در میان جمعیت و در برابر حاکمان ایستاده‌اند (شایان‌مهر، 205:1379).

جامعه توده‌وار که گسترش آن از اهداف رژیم توتالیتر است، در مقابل جامعه مدنی قرار می‌گیرد و بر جامعه‌ای دلالت می‌کند که در آن انسان از واسطه خرد شخصی و نیز نهادهای مدنی در برابر حکومت محروم است و ممکن است به توتالیترایسم منتهی شود. یعنی جامعه شامل توده‌ای از انسان‌های از خودبیگانه پیرو رفتار جمعی توده، و رهبران فکری است و در واقع نوعی اتحاد بین توده‌ها و رهبران فکری پدید می‌آید (موسوی، 1383: 8-1).

مفهوم جامعه توده‌ای هسته اصلی یکی از نظریه‌های مهم علوم اجتماعی است و صاحب نظران آن، جامعه توده‌ای معاصر را دارای خصوصیات زیر می‌دانند:

1. بیشتر افراد شبیه یکدیگرند، نامتفاوت مانده‌اند، برابرند و فردیتی از خود نشان نمی‌دهند؛
2. کار یکنواخت و بیگانه کننده است؛

3. مذهب نفوذ خود را از دست داده است و هیچ گونه ارزش اخلاقی که مردم عمیقاً مورد به آن معتقد باشند و مهم شمرده شود وجود ندارد. گرچه توده‌ها مستعدند که تعصبات ایدئولوژیکی آنها وسوسه نکند، رابطه بین افراد سست و درجه دوم است؛
4. در این جامعه به پیوندهای خویشاوندی اهمیتی داده نمی‌شود؛
5. مردم واکنش نشان نمی‌دهند؛ توده‌ها از نظر سیاسی مستعدند که آلت دست دیکتاتورها و دیوانسالارها شوند و به عبارتی، انسانهای منفعلی هستند.

از مفاهیم اساسی این نظریه «توده» است. آرنست «توده» را جمعیت بی‌شکلی می‌داند که از افراد جدا از هم تشکیل شده و فاقد هویت مشترک، احساس علاقه و آگاهی‌های فردی است. آرنست جامعه توده‌ای را جامعه‌ای می‌داند که در آن توده‌ها حول محور هیچ مصلحت عمومی یا طبقاتی یا گروهی گرد نمی‌آیند زیرا توده‌ها چیزی بیش از مجموعه‌ای از افراد بی‌هویت و بی‌تفاوت نیستند. به نظر او، آنچه موجب پیدایش جامعه توده‌ای می‌شود فروریختگی مرزهای طبقاتی است. به همین دلیل، آرنست گاه به جای اصطلاح جامعه توده‌ای، از اصطلاح جامعه بی‌طبقه استفاده می‌کند (هانا آرنست، 43:1366).

«داریوش آشوری» تعریف مختصر و جامع‌تری از توده‌گرایی در اختیار گذاشته است: «بزرگداشت مفهوم مردم تا حد مفهومی مقدس و باور به اینکه هدفهای سیاسی را باید به خواست و نیروی مردم، جدا از حزبها و نهادهای موجود پیش برد» (فرهنگ علوم سیاسی). جامعه توده وار به نوعی از جامعه اشاره می‌کند که در آن روابط میان افراد به علت صنعتی و مدرن شدن، شکل توده‌ای به خود گرفته و ازدیاد جمعیت به ویژه در شهرهای بزرگ عامل اصلی آن است. طبق نظر طرفداران این مکتب، شکل‌گیری فرهنگ توده وار یا فرهنگ عامه، یکی از نتایج این فرآیند است. فرهنگ در این نظریه سه گانه یعنی جامعه توده وار، ارتباطات و رسانه‌های توده وار؛ فرهنگ توده وار بسیار ایدئولوژیک و دوگانه انگار است، زیرا فرهنگ جامعه به مقولات مشخصی چون «فرهنگ عالی و فرهنگ عامه»، «روشنفکرانه و کوتاه فکرانه»، «پیشرو و عامیانه» تقسیم می‌شود (مولانا، 1386). نظریه پوپولیسم بر دوگانگی توده و نخبه استوار شده است و توده‌ها را با تفاوت‌هایی همچون قومیت، ملیت، طبقه اجتماعی و... در برابر نخبگان تصور می‌کند.

پیشینه پژوهش

پوپولیسم از واژه لاتین *popularis* یا *populus* به معنای توده مردم یا عامه گرفته شده است (آقابخشی و افشاری‌راد، 264:1374). اغلب فرهنگ واژه‌های فارسی، پوپولیسم را «مردم باوری» معنی کرده‌اند که در نگاه نخست به نظر می‌رسد حاوی معنایی مثبت، مثل مردم‌سالاری (مترادف فارسی دموکراسی) باشد.

نظریهٔ پوپولیسم بر آرای هربرت شیلر و بر این فرض اولیه مبتنی است که عامهٔ مردم افرادی نا آگاه، منفعل و ضعیف‌اند (شیلر، 1376). از نظر تاریخی، پوپولیسم برای اولین بار در دهه 1870 میلادی در بین روشنفکران روسیه به عنوان یک جنبش اجتماعی موسوم به جنبش ناردنیک‌ها¹ یا «دوستان مردم» پدید آمد. جنبش دوستان مردم که از حمایت دهقانان خرده‌پای روسیه برخوردار بود، برای به دست آوردن دو هدف سیاسی بارز، یعنی آزادی سیاسی برای توده مردم و گسترش مالکیت خصوصی بر روی زمین مبارزه می‌کرد. همزمان با این جنبش، جنبش پوپولیستی دیگری در غرب آمریکا در یک روند نهادی و سازمان یافته پدیدار شد. در سال 1892 میلادی حزب پوپولیست‌توانست چهار کرسی نمایندگی به دست آورد و کاندیدای ویژه‌ای برای رئیس‌جمهوری معرفی کند. در سال 1896 این حزب با حزب دموکرات آمریکا ادغام شد و بخش جدایی‌ناپذیری از جنبش پیشروان کشور به شمار آمد. از دیگر جنبش‌های مهم پوپولیستی می‌توان به جنبش موسوم به پرونیسم² در اواسط دهه 1930 در آرژانتین، جنبش پوژادیسیم³ و ژان ماری لوپن⁴ در فرانسه، جنبش مگنس کلیستروپ⁵ در دانمارک و ... اشاره کرد (حقیق اغصان، 1384: 305).

پوپولیسم که در فارسی معادل واژه‌های عوام‌گرایی و مردم‌باوری به کار رفته است، دارای چند ویژگی کلی به شرح زیر است:

1. جلب پشتیبانی مردم با توسل به وعده‌های کلی و مبهم، و معمولاً تحت کنترل رهبر فرهمند، و با شعارهای ضد امپریالیستی.
 2. پیشبرد اهداف سیاسی، مستقل از نهادها و احزاب موجود، با فراخوانی توده مردم به اعمال فشار مستقیم بر حکومت.
 3. بزرگداشت و تقدیس مردم یا خلق، با اعتقاد به اینکه هدف‌های سیاسی باید به اراده و نیروی مردم و جدا از احزاب یا سازمان‌های سیاسی پیش برود.
- البته این و سنت سیاسی پوپولیستی، در هر کشوری شکل ویژه‌ای دارد. در نهضت‌های پوپولیستی، معمولاً ائتلافی آشکار یا ضمنی میان طبقات مختلف با منافع متفاوت و گاه متعارض برقرار می‌شود. تداخل افشار گوناگون در این نهضت‌ها، به طور عمده ناشی از نبودن تشکل طبقاتی و مرزبندی روشن طبقاتی است. پوپولیسم دارای مشخصات عوام‌فریبی، تقدیس شخص رهبر فرهمند، تعصب، تکیه بر توده‌های محروم، نداشتن ایدئولوژی مشخص، اصلاح‌طلبی، بورژوازی بودن و عناصری از ضدیت با امپریالیسم و ملی‌گرایی است. توسعه‌خواهی و پر و بال دادن به نیروهای وابسته به بازار داخلی و گاه

¹ nardrodniki

² Peronism

³ Poujadism

⁴ Jean Marie Le Pen

⁵ Mogens Glistrup

آزادی‌های سندیکایی و دموکراتیک از خصلت‌های عمده دوران پوپولیسم است (آقابخشی و افشاری راد، 1374: 264).

به طور کلی اصطلاح پوپولیسم بسیار متداول، اما تعریف‌های مطرح شده درباره آن محدود است. غالباً اصطلاح پوپولیسم به برنامه‌های بیش از حد عامیانه یا مورد علاقه گروه‌های معینی از مردم (و همیشه هم گروه‌های ناجور) نسبت داده می‌شود. برخی از نویسندگان با ناکامی دریافتن هسته اصلی پوپولیسم، یعنی آنچه در تمام اشکال متنوع آن وجود دارد، به این نتیجه قطعی رسیده‌اند که پوپولیسم مفهوم روشنی ندارد (به عنوان نمونه نگاه کنید به موزلیس، 1985، 344؛ تاگوف، 1995: 25، 17). این همه بی‌اعتنایی به مفهوم چنین اصطلاح رایجی، عجیب است. هر زمان هم که به گونه‌ای نظام یافته با آن برخورد کرده‌اند، توافق چندانی بر سر آن وجود نداشته است. تلاش برای درک جوهر پوپولیسم، همانند پیدایش جنبشهای پوپولیستی، در دورانها و مناطق متفاوت ناگهان شور و هیجان خاصی می‌یافت؛ اما به ندرت شواهدی مبنی بر الگویی منسجم از آن در دست است. بسیاری پوپولیسم را با توجه به زمینه رشد آن بررسی کرده‌اند.

تلاشهای بلندپروازانه‌ای نیز برای تعریف عمومی‌تر آن انجام شده است. عده‌ای آن را چون پدیده‌ای متنوع و رنگارنگ می‌دانند که دارای تنوع اما فاقد جوهر است. تفاوت میان تعریفهای پوپولیسم براساس بافت، گوناگونی و جنبه فراگیری آن تا حدی به تفاوت نوع تحقیق درباره این مقوله وابسته است. بنابه تعریف، بررسی‌های تاریخی نمودهای خاص پوپولیسم مبتنی بر زمینه رشد آن هستند. بسیاری از این گونه تعاریف بافتی - از جمله بررسی‌های رادیکالیسم روستایی، پرونیسم، اندیشه‌های جنبش «اعتبار اجتماعی» و نارودنی چستوو - نتیجه مطالعه دقیق وضعیت مشخص آنهاست.

در مطالعه تاریخی تک ساحتی و جامع {از نمونه‌های مشخص} به ناگزیر مفاهیم ضمنی گسترده‌تر در نظر گرفته نمی‌شود. تلاش برای تعریف عام آن، بالقوه امکان پذیر است، حتی زمانی که تحقیق و بررسی مبتنی بر بافت باشد؛ اما به این شرط که مفاهیم تلویحی این بررسی آشکارا بیان و به گونه‌ای نظام یافته به کار برده شوند. همواره می‌توان درک شخصی از مفاهیم را با تعمیم آن تعریف از یک بافت به بافت دیگر ارتقا داد. اما دیری نمی‌پاید که در می‌یابیم تعاریف بافتی متناسب با بافت جدید نیستند و برداشت از پوپولیسم (در تقابل با نمودهای خاص آن) در شرایط ویژه‌ای شکل گرفته است. از سوی دیگر، برخی از بررسی‌های معطوف به بافت پوپولیسم که درصدد ارائه تعریفی فراگیر از آن نبوده‌اند، مفاهیمی را مطرح می‌کنند که بسیار سودمند است.

ادوارد شیلز هنگام نگارش مطلبی در واکنش مستقیم به مک کارتیسم در آمریکا دهه 1950، تعریفی از پوپولیسم مطرح کرد که مبتنی بر زمینه و بافت آن بود. او پوپولیسم را پدیده‌ای چند جانبه، همانند دیکتاتوری نازی‌ها در آلمان و بلشویسم در روسیه و فراگیر می‌دانست. به نظر او پوپولیسم زمانی به وجود می‌آید که «مردم از نظم تحمیلی طبقه متمایز و دیرپای حاکم که انحصار قدرت، مالکیت،

آموزش و فرهنگ را در اختیار دارد به ستوه آمده باشند» (شیلز، 1956: 100-101). وی کلید درک پوپولیسم را رابطهٔ نخبگان با توده‌ها می‌داند. تصویر پوپولیسم مبتنی بر تردید و تزلزل عمیق آن در برخورد با نهادهای دولتی، دانشگاه‌ها، بوروکراسی و نهادهای مالی است. بنابراین طبعاً پوپولیسم از پایه و ریشه به گردانندگان این نهادها بی‌اعتماد است و آنها را نه تنها فاسد بلکه فاقد خرد و شعور می‌داند. خرد و شعور در مردم است؛ امور سیاسی تا آنجا مشروع است که نهادهای سیاسی همسان با ارادهٔ مردم باشند و نه نمایندهٔ آن (همان؛ 101-103).

در آمریکا پدیدهٔ مک‌کارتیسم در دهه 1950 بر بحثهای دانشگاهی دربارهٔ پوپولیسم تأثیر چشمگیری گذاشت و بسیاری از امکانات خطرناک افراط‌گرایی را گوشزد کرد. شیلز در چنین اوضاع و احوالی مطلب خود را نوشت. پس از دوران مک‌کارتی پژوهش‌هایی انتشار یافت که درصدد کندوکاو و توضیح موج افراط‌گرایی دست راستی در آمریکا بودند (لیپ ست 1963؛ بل 1963؛ راجین 1967؛ لیپ ست و راب 1971). این آثار دو جهت‌گیری عمده داشتند. در نخستین جهت‌گیری پیوندی میان حزب مردم‌واندیشه‌های جنبش پوپولیستی آن دوره و مک‌کارتیسم تشخیص داده شده بود. در نتیجه، پوپولیسم پیشین چون جنبشی افراطی، متحجر و عقب مانده توصیف شد.

در جهت‌گیری دوم، کوشیده بودند بامشخص کردن پایگاه‌های اجتماعی هوادار پوپولیسم، ویژگی طرفداران این شکل از افراط‌گرایی را بررسی کنند. شیلز بعدها با بسط تحلیل خود از پوپولیسم کوشید این پدیده را در آفریقا و آسیا نیز تبیین کند. شیوه او آشکارا تطبیقی بود. او این موضوع را مطرح کرد که پوپولیسم پدیده‌ای ناشی از پیدایش جامعهٔ روشنفکری جهانی و بنابراین «نتیجه تنش میان مرکز و ایالت‌هاست و خود از گرایش به جامعهٔ روشنفکری جهانی پدیدار می‌شود» (شیلز 1962، 214). او با رجوع به تاریخ پوپولیسم ریشه‌های آن را در تاریخ آلمان جست که با نفی و نقد فرمانروایی دولت، دانشگاه‌ها و مقامات کلیسا، اعتقاد به «خلق» یا مردم‌جانشین آنها شد. شیلز با مقایسهٔ پوپولیسم در آمریکا و روسیه برای توصیف پوپولیسم نخبگان روشنفکر در آفریقا و آسیا، این نکته را مطرح می‌کند که مخالف‌خوانی ویژگی پوپولیسم است.

کورن هوزر در تحلیل خود از جامعهٔ توده‌ای، تعریف شیلز از پوپولیسم را به کار گرفت. وی معتقد بود که پوپولیسم هم علت و هم معلول جامعهٔ توده‌ای و بیانگر مخالفت با چندگانگی و تأیید یکپارچگی در مقابل تمایزات اجتماعی است (کورن هوزر، 1959، 103). بنابراین جامعه توده‌ای به شکل‌گیری دموکراسی پوپولیستی می‌انجامد که وی آن را نقطهٔ مقابل دموکراسی لیبرالی می‌دانست. به نظر او دموکراسی پوپولیستی با مشارکت مستقیم مردم، نهادها و کانون‌های نظام‌های سیاسی مبتنی بر نمایندگی را تضعیف و آزادی افراد را کاهش می‌دهد زیرا در این نوع دموکراسی، مردم که یکپارچه فرض می‌شوند، دست بالا را دارند (همان، 131-132).

شیلز شرایط جدید جامعه روشنفکری در سطح جهان و اثر تعیین کننده آن بر مناسبات میان نخبگان و بخشهای (خاص) جامعه در یک بافت ملی ویژه را مورد تأکید قرار داد. تداوم این نظر را می‌توان در بسیاری از تعاریف پوپولیسم یافت که این پدیده را واکنشی به مدرنیته یا به ویژگی مختص دنیای مدرن می‌دانند. اگرچه توجه شیلز در ابتدا به آمریکا بود، طبعاً تحلیل گرانی که به مطالعه مناطق دیگر جهان در حاشیه اقتصاد می‌پردازند، به تنش ناشی از مناسبات متقابل محلی میان حاکمان و حکومت شوندگان و نیز مناسبات مرکز با پیرامون در شرایطی جهانی شده‌تر توجه بیشتری نشان می‌دهند.

تورکواتودی تلا پدیده پوپولیسم را در آمریکای لاتین به روش تطبیقی، به ویژه در مقایسه با اروپا بررسی کرده است. او در اثر قدیمی‌تر خود درباره پوپولیسم، انواع متفاوت پوپولیسم آمریکای لاتین را نتیجه تفاوت روند توسعه این قاره با توسعه اروپا می‌داند (دی تلا 1965). با وقوع انقلابهای اروپا در سال 1989 دی تلا کوشید تا میان تجربه آمریکای لاتین و اروپای شرقی شباهتهایی بیابد (دی تلا، 1997)، به نظر او پوپولیسم زمانی ایجاد می‌شود که نخبگان رده‌های متوسط مخالف وضعیت موجود باشند و افزایش انتظارات به بسیج همگانی شهروندان بینجامد و شرایط سبب برانگیختگی جمعی نخبگان و توده‌ها شود (دی تلا، 1968: 53). او پوپولیسم را چنین تعریف می‌کند: «جنبشی سیاسی و متکی به توده‌های آماده عملی که هنوز به صورت مستقل سازماندهی نشده‌اند. رهبری آن با نخبگانی است که از اقشار متوسط و بالای جامعه هستند و رابطه‌ای کاریزماتیک و شخصی، رهبر مردم آنها را به هم پیوند می‌دهد» (دی تلا، 1997: 196). او معتقد است با پا گرفتن احزاب سوسیال دموکراتیک در کشورهای توسعه یافته‌تر بودند، زمینه برای شکل گیری پوپولیسم آماده شد (دی تلا 1965؛ 1997). بنابراین، به نظر دی تلا پوپولیسم محصول فرایند توسعه جوامع به سمت مدرنیته است.

دی تلا تلویحاً تأکید می‌کند که از ویژگیهای مهم پوپولیسم، خصوصیات اجتماعی ائتلاف حامی آن و تفاوتی است که تهیدستان میان خود و بخشی از نخبگان احساس می‌کنند. این احساس دارای اهمیت است، اما توصیف پوپولیسم براساس ترکیب اجتماعی جنبش‌های پوپولیستی ناگزیر دامنه آن را محدود می‌کند، چرا که این پدیده در وجوه گوناگون خود پایه اجتماعی بسیار متفاوتی داشته است. دی تلا تأکید می‌کند: نخبگان کشورهای کمتر توسعه یافته در مقایسه خود با نخبگان کشورهای توسعه یافته و همچنین گروه‌های اجتماعی ناراضی از وضع موجود، چنین تفاوتی را نیز احساس می‌کنند. این گروه‌های اجتماعی، هم افراد تحصیلکرده‌ای را که احساس می‌کنند از تحقق آرزوهای خود ناتوان هستند و هم افراد عادی‌ای را در بر می‌گیرد که جایگاه پایین اجتماعی و شرایط فقرانه زندگی شان به مخالفت آنها با وضع موجود می‌انجامد (دی تلا، 1965: 52).

مشکل بررسی دی تلا از پوپولیسم این است که پیوستار ثابتی برای توسعه جوامع قائل است. اعتقاد ریشه‌دار این پیش فرض وجود هدفی واحد برای توسعه مدرن است. با چنین دیدگاهی،

گونگونگی های اساسی موجود در ماهیت توسعه و هدف غایی جوامع درک نمی شود. دومین مشکل این بررسی آن است که پوپولیسم در جوامعی شکل می گیرد که دارای اقتصاد و جامعه ای کاملاً مدرن هستند. می توان آمریکا را تقریباً نمونه ایده آل پوپولیسم برشمرد (کازین، 1995).

پوپولیسم به صورتی مکرر در صحنه سیاسی اروپا پدیدار می شود؛ با این حال کسانی مانند دی تلا که از روی علاقه به کشورهای جهان سوم یا آمریکای لاتین به پوپولیسم می نگرند، به کرات پوپولیسم را ویژگی جوامعی می دانند که در مرحله خاصی از توسعه قرار دارند (به عنوان نمونه نگاه کنید به مالوی 1997؛ ژرمنی 1978).

مضمون بسیاری از نوشته هایی که نویسندگان علاقه مند به تجربه آمریکای لاتین پرورانده اند، مورد استفاده کسانی قرار گرفته است که نظامهای سیاسی آفریقا یا به طور کلی جهان سوم را مطالعه می کنند. گاوین کیچینگ پوپولیسم را در کانون تحلیل خود از توسعه جای می دهد. وی معتقد است که پوپولیسم واکنشی به صنعتی شدن است و از ویژگی هایش حمایت تولید کنندگان خرد از آن و ضدیت با تولید متمرکز است (کیچینگ، 1989: 19-22). از این رو، تحلیل او شدیداً اقتصادی و به ویژه بر ایدئولوژیهای روستایی متمرکز است و در نتیجه پوپولیستهای روسیه را نمونه ایده آل این گونه تفکر می داند.

ایراد برداشت کیچینگ از پوپولیسم این است که بیش از حد خاص است و صرفاً بیانگر تداوم اندیشه معینی درباره اقتصاد سیاسی است. موضوع این نیست که چنین برداشتی دقیق نیست، بلکه کیچینگ پوپولیسم را از چیزی که گسترش یافته است نتیجه می گیرد نه از انگیزه هایی که سبب می شود چنین اندیشه ای گسترش یابد.

پوپولیسم اساساً واکنشی است به حکومت، این واکنش در جوامع دهقانی هنگامی بیان سیاسی می یابد که به مجموعه ای از اندیشه ها تبدیل شده باشد. با این همه، در خود همین واکنش است، نه در گسترش این واکنش، که جوهر پوپولیسم را می یابیم. مفاهیم و اندیشه های خوان پرون درباره پوپولیسم کیفیتی اساساً انعطاف پذیر داشت و این امر گواه انگیزه ای است که موجب پیدایش آنها شد.

روش شناسی پژوهش

اصولاً هر تحقیق یا کار پژوهشی به دنبال دستیابی و تحقق اهداف معینی است. در این راه اصل اولیه و گام اول برای رسیدن به هدف، روش دستیابی به آن هدف یا اهداف است. بعد از مشخص شدن اهداف تحقیق نیز پژوهشگر باید آنها را به مسائل عملی تبدیل کند، زیرا اساساً در نهایت هدف اصلی هر تحقیقی کشف، تبیین، تفسیر و گسترش دانش پیرامون پدیده های خاصی است. در این تحقیق نیز سعی شده است با استفاده از اصول و قواعد کلی تحقیق علمی، روش و ابزار اندازه گیری مناسبی

تعیین شاخصهای پوپولیسم در تبیین گفتار پوپولیستی در مطبوعات ایران مهم‌ترین دغدغه‌این پژوهشگر بود. برای تعیین شاخصهای پوپولیسم ابتدا متون و اسناد در دسترس مطالعه و سپس شاخصهای مورد نظر جمع بندی می‌شود. در مرحله بعدی هر یک از شاخص‌های به دست آمده به صورت کلی در اختیار استادان و صاحب نظران این حوزه قرار می‌گیرد تا پس از تأیید آنها به هر یک از شاخصهای پوپولیسم در رسانه‌های ایران پرداخته شود.

در این پژوهش سعی شد با استفاده از روش تحلیل محتوای دو روزنامه اعتماد ملی (چپ) و کیهان (راست) به بررسی گفتار پوپولیستی در مطبوعات ایران در سال 1387 پرداخته شود. لذا برای رسیدن به این مقصود از روشها و ابزار گردآوری اطلاعات به شرح زیر استفاده شد:

1. در مرحله شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های پوپولیسم، روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای بود و از ابزار فیش برداری استفاده شد.
2. در مرحله بررسی گفتار پوپولیستی در مطبوعات ایران، روش گردآوری اطلاعات تحلیل محتوای متون روزنامه و ابزار آن فیش برداری و کدگذاری بود.
3. پرواضح است که در تعیین شاخصهای پوپولیسم از استادان و صاحب نظران حوزه علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و علوم ارتباطات اجتماعی به روش مصاحبه استفاده شد.

فرضیات پژوهش

فرضیات این پژوهش عبارت‌اند از:

1. به نظر می‌رسد گفتار پوپولیستی در هر دو روزنامه مورد بررسی به کار گرفته شده است.
2. به نظر می‌رسد پوپولیسم وجه غالب تهییج سیاسی در ایران از طریق روزنامه‌هاست.
3. به نظر می‌رسد هر دو روزنامه تحت تاثیر شدید فضاهای متفاوت سیاسی (مانند انتخابات) به استفاده از ادبیات پوپولیستی گرایش دارند.
4. به نظر می‌رسد در روزنامه‌های اعتماد ملی و کیهان از لحاظ روشهای به کارگیری و توجه به پوپولیسم تفاوتی ندارند.

جامعه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل دو روزنامه شاخص در دو گروه اصلاح طلب و اصولگرا است، زیرا در هر دو روزنامه به دلیل گرایش سیاسی روشن آنها، ادبیات سیاسی معطوف به پوپولیسم روشن‌تر و قابل ارزیابی است، لذا در این تحقیق جامعه آماری کلیه شماره‌های منتشر شده روزنامه‌های اعتماد ملی و کیهان در سال 1387 است.

حجم نمونه و روش نمونه گیری

از مجموع 52 هفته سال، از هر هفته یک شماره نمونه گیری شد. براساس نمونه گیری تصادفی ساده (قرعه کشی) از شماره‌های هر نشریه در شش روز هفته، شماره روز دوشنبه انتخاب شد. با وجود این، در دو هفته اول سال، روزنامه‌ای منتشر نشد، اما این نقصان با افزایش نمونه‌ها در دو هفته بعدی با دو شماره اضافی جبران شد. لذا در هر ماه، دوشنبه‌ها، به عنوان روز نمونه انتخاب شد. با وجود این، برای روزهای تعطیل، روز سه شنبه بعد به عنوان روز جانشین اول و روز چهارشنبه به عنوان روز جانشین دوم انتخاب شدند.

از روزنامه اول (اعتماد ملی) و روزنامه دوم (کیهان) هر یک 52 شماره انتخاب شد. دو روزنامه مذکور به این دلیل انتخاب شدند که دو طیف از دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی را نمایندگی می‌کردند و همچنین می‌توانستند فرضیه‌های تحقیق را به شکل مناسبی پوشش دهند. تعداد 52 نسخه روزنامه در یکسال (برای هر روزنامه) براساس فرمول نمونه گیری کوکران و به شرح زیر تعیین شده است.

$$n = Nt^2 pq / Nd^2 + t^2 pq$$

که در آن: (تعداد کل روزنامه‌های منتشر شده در یک سال) $n = 282$

(ضریب اطمینان قابل قبول). $t = 1/50$

(برآورد نسبتی از جمعیت دارای صفت معین) $p = 0/5$

(برآورد نسبتی از جمعیت فاقد صفت معین). $q = 0/5$

(خطای نسبت یا دقت احتمالی) $d = 0/094$

$$n = \frac{282 \times 1.50^2 \times 0.5 \times 0.5}{12000 \times 0.094^2 + 1.50^2 \times 0.5 \times 0.5} = \frac{158.63}{3.05} = 51.9$$

همان طور که ذکر شد، در این پژوهش برای بررسی صحت فرضیات مطرح شده، دو روزنامه از روزنامه‌های کثیرالانتشار کشور انتخاب شدند. این دو روزنامه، هم از لحاظ نگرش سیاسی، هم رویکردهای فرهنگی و اجتماعی و هم از نظر ساختار روزنامه‌ای (آنچه به چاپ رسیده و منتشر می‌شود) وضعیت‌های متفاوتی دارند دو روزنامه یاد شده عبارت بودند از کیهان و اعتماد ملی. تفاوت‌های این دو روزنامه شامل موارد زیر است:

1. ساختار اداری و سازمانی
2. محل تأمین منابع مالی
3. شکل و اندازه روزنامه

4. ساختار داخلی روزنامه (روزنامه اعتماد ملی از یک ضمیمه استفاده می‌کرد و کیهان خیر. از نظر شکل و ساختار روزنامه نیز، رویکردها متفاوت بود).

5. گرایش سیاسی

گرایش اجتماعی و فرهنگی

شاخصهای مورد توجه در نشریات:

تصویرهای اصلی صفحه نخست یا خبر اصلی

متون

تصویرها:

مهم‌ترین و اصلی‌ترین تصویر، اخبار یا گزارشهای اصلی است که در صفحه نخست منتشر شده‌اند. اهمیت این عکس فقط مبتنی بر ارزشی است که دست‌اندرکاران روزنامه برای آن قائل هستند. شاخص‌های مورد توجه در عکسها:

توجه به نخبگان سیاسی غیر سازمانی (نخبگانی که با احزاب شناسایی نمی‌شوند و بیشتر شخصیتی غیر حزبی تعریف شده‌اند - حتی اگر عضو حزبی هم باشند)

- توجه به نخبگان سیاسی سازمانی (نخبگانی که بیشتر با احزاب و سازمانهای سیاسی شناخته می‌شوند)
- توجه به مردم به عنوان یک کل و نه تقسیم شده به ساختهای نظام اجتماعی
- توجه به مردم در قالب گروه‌های اجتماعی
- عکس رسمی از افراد یا سوژه‌ها
- عکس غیررسمی از افراد یا سوژه‌ها
- توجه به سوژه در عکس
- توجه به شخص به عنوان سوژه اصلی و تنها سوژه عکس
- توجه به شخص در چارچوب سوژه کلی‌تر یا یک زمینه گسترده‌تر
- توجه به ظاهر افراد (برجسته شدن نحوه پوشش یا چهره یا تیپ ظاهری شخص)
- نمایش سادگی فرد (برجسته شدن ظاهر ساده فرد از نظر پوشش و رفتار)
- نمایش عکسهای فردی با ظاهر اقتدارگرایانه (علی‌رغم آنکه اقتدارگرایانه تلقی کردن عکس بیشتر مبتنی بر حس فردی مخاطب است و تفسیرگر اصلی اوست، برخی از عکسهای اقتدارگرایانه بر اساس اصول کلی پذیرفته شده عرفی، قابل تشخیص هستند. به

طور مثال توجه به ابهت فردی، مدالها، عکس از پایین به بالا و امثالهم، نشان از توجه به سوژه با هدف القای قدرت یا اقتدار وی است.

- نمایش عکسهای عمومی با ظاهر اقتدارگرایانه (نمایش گروه‌های اجتماعی یا عموم مردم در حالی که اقتدار یا قدرت را به بیننده منتقل کند)
- متون مورد بررسی در روزنامه‌ها نیز عبارت‌اند از:
- سرمقاله یا یادداشت اصلی روزنامه که جانشین سرمقاله شده باشد یا سرمقاله بودن را تداعی کند.
- عنوان اصلی روزنامه
- گزارش اصلی روزنامه (چنانچه روزنامه بیش از یک گزارش اصلی داشت و تفکیک آن مقدور نبود- که به ندرت اتفاق افتاد- یکی از آن دو به روش تصادفی برگزیده شد)؛ در این بخش دو محور اصلی مورد توجه قرار گرفت:
- عنوان گزارش اصلی
- متن گزارش
- مقاله اصلی و یادداشتهای مهم (در صورت وجود چندین مقاله یا یادداشت به گونه‌ای که امکان تشخیص مقاله یا یادداشتهای مهم وجود نداشت- اتفاقی که تقریباً در بیشتر شماره‌های روزنامه‌های نمونه رخ داد- از روش نمونه‌گیری تصادفی برای انتخاب آنها بهره گرفته شد)

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش در بخش تحلیل عکسها، نتایج زیر به دست آمد:

- توجه به نخبگان سیاسی غیر سازمانی (نخبگانی که با احزاب شناسایی نمی‌شوند و بیشتر شخصیتی غیر حزبی تعریف شده‌اند- حتی اگر عضو حزبی هم باشند)، در روزنامه دوم (کیهان) بسیار بیشتر از روزنامه اول (اعتماد ملی) بوده است. این در حالی است که در روزنامه اول (اعتماد ملی) نسبت به روزنامه دوم (کیهان)، توجه به نخبگان سیاسی سازمانی (نخبگانی که بیشتر با احزاب و سازمان‌های سیاسی شناخته می‌شوند) بیشتر بوده است.

- توجه به مردم به عنوان یک کل نه تقسیم شده به ساختهای نظام اجتماعی، در روزنامه اول (اعتماد ملی) اندکی کمتر از روزنامه دوم (کیهان) بوده است. در این مورد، تفاوت‌ها معنادار نیست.

- توجه به مردم در قالب گروه‌های اجتماعی در روزنامه اول (اعتماد ملی) به مراتب بیشتر از روزنامه دوم (کیهان) بوده است.

- عکس رسمی از افراد یا سوژه در روزنامه اول (اعتماد ملی) بیشتر از روزنامه دوم (کیهان) مورد توجه قرار داشته است، در حالی که این موضوع در خصوص عکسها با سوژه غیر رسمی در دو روزنامه معکوس است. در عین حال این تفاوتها، معنادار نیستند.

- توجه به شخص به عنوان سوژه اصلی و تنها سوژه عکس، در روزنامه کیهان بیش از روزنامه اعتماد ملی است. اما این تفاوت از نظر آماری معنادار نیست.

- توجه به شخص در چارچوب سوژه کلی تر یا یک زمینه گسترده تر در روزنامه دوم (کیهان) بیش از روزنامه اول (اعتماد ملی) است.

- توجه به ظاهر افراد (برجسته شدن نحوه پوشش یا چهره یا تیپ ظاهری شخص) و نمایش سادگی فرد (برجسته شدن ظاهر ساده فرد از نظر پوشش و رفتار) در روزنامه اعتماد ملی جایی نداشته، اما در روزنامه کیهان در مواردی یافت شده است. این تفاوتها در سطح 95 درصد معنادار هستند.

- نمایش عکسهای فردی با ظاهر اقتدارگرایانه در روزنامه اعتماد ملی بیش از روزنامه کیهان است و گرچه نمایش عکسهای عمومی با ظاهر اقتدارگرایانه (نمایش گروههای اجتماعی یا عموم مردم در حالتی که اقتدار یا قدرت را به بیننده منتقل کند) در روزنامه اول یک بار دیده، در روزنامه کیهان محلی نداشته است.

- بررسیها و نتایج فوق نشان می‌دهد که روزنامه کیهان، بیشتر از روزنامه اعتماد ملی آمادگی استفاده از عکسهایی را دارد که می‌تواند در گرایش پوپولیستی کل روزنامه نقش داشته باشند.

در این پژوهش با بررسی محتوای شماره‌های نمونه نشریات مورد تحقیق، نتایج زیر به دست آمد:

- روزنامه دوم (کیهان) کمتر از روزنامه اول (اعتماد ملی)، در طول مدت مطالعه دستخوش تغییراتی در تعداد اخبار سیاسی شده است. به عبارت دیگر، میزان پوشش اخبار سیاسی روزنامه کیهان در نمونه‌های مورد بررسی از نظر درصد پراکندگی کمتری داشته است. در حالی که روزنامه اعتماد ملی، از این حیث دارای پراکندگی بیشتری بوده است. آزمون کای اسکور در سطح 95 درصد معناداری این موضوع را از نظر آماری نشان داده است.

- روزنامه‌های مورد بررسی، هرچه به آخر سال نزدیک‌تر می‌شوند، حجم بیشتری از مطالب خود را به موضوعات سیاسی اختصاص می‌دهند (جز دو هفته آخر سال). با توجه به اینکه سال 87، سالی پر تلاش برای تبلیغات انتخاباتی و نامزدی برای انتخابات ریاست جمهوری خرداد 88 بود، این موضوع امری معقول است. تقسیم بندی براساس فصول نیز نشان می‌دهد که زمستان 87 برای هر دو روزنامه، بیش از سایر فصول دربرگیرنده مطالب سیاسی بوده است. اینکه عامل نزدیکی به انتخابات در این موضوع تأثیر داشته یا مطبوعات به برجسته سازی پرداخته‌اند، نیازمند آزمون دیگری

است، اما معنادار بودن رابطه بین افزایش سهم اخبار سیاسی نشریات مورد بررسی با نزدیکی فضای انتخاباتی قابل بیان است.

- روزنامه اعتماد ملی، بیش از 25 درصد از گزارشهای خود را در کل 52 به مطالب سیاسی اختصاص داده است. در حالی که این میزان در روزنامه کیهان به حدود 14 درصد می‌رسد. همچنین میزان تغییرات روزنامه کیهان کمتر از روزنامه اعتماد ملی است. به عبارت بهتر، روزنامه کیهان روند مشخص تری داشته و کمتر دستخوش تغییر شده است. در حالی که در روزنامه کیهان حداکثر 20 درصد از گزارشها به مطالب سیاسی اختصاص یافته، روزنامه اعتماد ملی تا 45 درصد از گزارشهای خود را به حوزه سیاسی اختصاص داده است. این تفاوتها از نظر آماری معنادار است. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد روزنامه اعتماد ملی از نظر محتوای گزارشها، بیش از روزنامه کیهان "سیاسی" بوده است. در حالی که روزنامه کیهان خط مشی مشخص تر و کمتر تغییرپذیری (از لحاظ درصد گزارشها) داشته است.

- در خصوص مقالات و یادداشتهای سیاسی، مشاهده شد که در برخی از موارد 60 درصد کل مقالات و یادداشتهای یک روزنامه به موضوعات سیاسی اختصاص داشته است. همچنین با نزدیک تر شدن به انتخابات و همچنین هفته‌هایی که بحثهای سیاسی داغ می‌شود (هفته اعلام حضور خاتمی یا میرحسین موسوی)، مقالات و یادداشتهای سیاسی براساس آزمون کای اسکوئر، در سطح 95 درصد، معنادار می‌شود. در عین حال، روزنامه اول (اعتماد ملی) به طرز معناداری بیش از روزنامه دوم (کیهان) به امور جاری سیاسی حساس بوده و گزارشهای بیشتری را به حوزه سیاسی اختصاص داده است.

- گرچه سیاسی بودن یک روزنامه به معنای گرایش پوپولیستی نیست، ارتباط فضای عمومی با فضای روزنامه‌های مورد بررسی محسوس است.

- در حالی که نتایج بررسیها نشان می‌دهند که تفاوتهایی در دو روزنامه در خصوص درج اخبار اجتماعی وجود دارد، نتیجه آزمون کای اسکوئر در مورد تفاوت دو روزنامه، حکایت از آن دارد که این تفاوتها معنادار نیست.

- در انتشار گزارشهای اجتماعی، روزنامه دوم (کیهان) بیش از روزنامه اول (اعتماد ملی) اهتمام داشته است اما تفاوت موجود از نظر آماری معنادار نیست.

- در بخش مقالات و یادداشتهای سیاسی، تفاوت چشمگیر و معناداری بین دو روزنامه مشاهده نمی‌شود.

- روزنامه اول (اعتماد ملی)، نسبت به روزنامه دوم (کیهان) با تفاوتی که از نظر آماری معنادار است، بیشتر به مطالب نخبه گرایانه، چه در حوزه اجتماعی و چه در حوزه سیاسی پرداخته است. در واقع

می‌توان گفت رویکرد نخبه‌گرایانه روزنامه اعتماد ملی نسبت به روزنامه کیهان قوی‌تر بوده و از گفتار پوپولیستی اجتناب کرده است.

- توجه به مطالب نخبه‌گرایانه در بطن مطالب هر دو روزنامه نشان می‌دهد که روزنامه اعتماد ملی کمتر از روزنامه کیهان رویکرد عمومی (از نظر مخاطب) دارد و بیشتر نخبه‌گراست، بنابراین از گفتار پوپولیستی کمتر استفاده کرده است.

- براساس بررسی کمی محتوای موضوعات، روزنامه کیهان به دلیل گرایش به موضوعات عمومی و همچنین بی‌توجهی یا کم‌توجهی به موضوعات اجتماعی و سیاسی با رویکرد نخبه‌گرایانه، یا گرایش بیشتری به رویکرد پوپولیستی دارد.

توجه به سازماندهی:

- سرمقاله: توجه به سازماندهی در سر مقاله‌های روزنامه اعتماد ملی به طرز معناداری نسبت به کیهان بیشتر است.
- تیتیر اصلی: توجه به سازماندهی تیتیرها در دو روزنامه مورد بررسی، وزنه را به سمت روزنامه اعتماد ملی کج می‌کند.
- گزارش اصلی: گزارش‌های اصلی روزنامه اعتماد ملی بیش از کیهان بوده است. اما این تفاوت معنادار نیست.
- مقاله و یادداشت: در روزنامه اول (اعتماد ملی)، شاخص توجه به سازماندهی در بحث یادداشتها و مقالات انتخابی، نسبت به روزنامه دوم نمود بیشتری داشته است.
- در بحث سازماندهی نیروها، موضوعی که نقطه مقابل گرایش به پوپولیسم محسوب می‌شود (چرا که پوپولیسم سازماندهی نیروهای اجتماعی و سیاسی را بر نتافته، به سازماندهی توده‌ای گرایش دارد)، هر دو روزنامه در بخش سر مقاله‌ها بدان توجه نشان داده‌اند، اما روزنامه اعتماد ملی بیش از روزنامه کیهان در بخش‌های مختلف از قابلیت غیرپوپولیستی بودن برخوردار است (این موضوع بدان معنا نیست که روزنامه کیهان الزاما بیشتر رویکرد پوپولیستی دارد، بلکه بحث بر سر قابلیت موجود است).

توجه به گروه‌های سیاسی و اجتماعی:

- سرمقاله: در بخش سرمقاله‌ها؛ توجه به گروه‌های سیاسی و اجتماعی در روزنامه اول (اعتماد ملی) به شکل معناداری بیش از روزنامه دوم (کیهان) بوده است.
- عنوان اصلی: توجه به گروه‌های سیاسی و اجتماعی، در عناوین روزنامه دوم (کیهان) وجود خارجی نداشته، اما در روزنامه اعتماد ملی مورد توجه بوده و وزن نسبتاً زیادی نیز دارد.

- گزارش اصلی: گزارشهای اصلی روزنامه اعتماد ملی بیش از کیهان بوده است. باین حال، تفاوت بین این دو روزنامه از نظر آماری معنادار نیست.
- مقاله و یادداشت: شاخص توجه به گروه‌های سیاسی و اجتماعی در بحث یادداشتها و مقالات انتخابی، در روزنامه اعتماد ملی بیش از روزنامه کیهان نمود یافته است.
- همانند سازماندهی، گروه‌های اجتماعی و سیاسی در روزنامه اعتماد ملی بیش از کیهان مورد توجه قرار گرفته‌اند. به عبارت دیگر روزنامه اعتماد ملی به سازماندهی نیروهای سیاسی و اجتماعی به طرز معناداری توجه نشان داده است. لذا از این منظر روزنامه اعتماد ملی قابلیت کمتری برای پرداختن به موضوعاتی با نگاه پوپولیستی دارد.

توجه به وجوه مختلف قانون اساسی:

- سرمقاله: روزنامه اعتماد ملی بیش از روزنامه کیهان به وجوه مختلف قانون اساسی در سر مقاله‌های خود توجه نشان داده است.
- عنوان اصلی: توجه به وجوه مختلف قانون اساسی در عنوانها، در روزنامه اول بیش از روزنامه دوم بوده است. این تفاوت بین عنوان‌های دو روزنامه، معنادار است.
- گزارش اصلی: گزارشهای اصلی در روزنامه کیهان بیش از روزنامه اعتماد ملی مورد توجه قرار گرفته است. آزمون کای اسکوتر نشان می‌دهد که این تفاوت، از نظر آماری معنادار نیست.
- مقاله و یادداشت: شاخص توجه به وجوه مختلف قانون اساسی در بحث یادداشتها و مقالات انتخابی، در روزنامه اول بیش از روزنامه دوم نمود داشته است، اما براساس نتیجه آزمون کای اسکوتر، این تفاوت معنادار نیست.
- در مجموع، وجوه مختلف قانون اساسی به عنوان میثاق ملی، در روزنامه اعتماد ملی بیش از روزنامه کیهان مورد توجه قرار گرفته است. به عبارت دیگر توجه به حوزه‌های مختلف قانون اساسی که می‌تواند از لحاظ مقابله با رویکرد پوپولیستی مؤثر باشد (چرا که یکی از وجوه پوپولیسم، استفاده از ناآگاهی و تلاش بر برجسته سازی تنها بخش خاصی از حقوق عمومی است تا بتوان بر پایه آن به بسیج توده‌ای پرداخت)، در روزنامه اعتماد ملی بیشتر است.

توجه به آزادی به عنوان حق همه افراد و حق اساسی - بدون توجه به وجوه محدود کننده:

- سرمقاله: در سرمقاله‌های روزنامه اول (اعتماد ملی) بیش از روزنامه دوم (کیهان) مورد توجه بوده است.

- عنوان اصلی: در مقایسهٔ عناوین دو روزنامهٔ مورد بررسی، توجه به آزادی به عنوان حق همهٔ افراد و حق اساسی - بدون توجه به وجوه محدود کننده - در روزنامه اعتماد ملی به شکل قابل توجهی بیش از روزنامه کیهان است. این تفاوت از نظر آماری معنادار است.
- گزارش اصلی: در گزارشهای روزنامهٔ اول توجه به آزادی به عنوان حق همهٔ افراد و حق اساسی - بدون توجه به وجوه محدود کننده - بیش از روزنامهٔ دوم نمود داشته است. این تفاوت از نظر آماری، معنادار است.
- مقاله و یادداشت: شاخص توجه به آزادی به عنوان حق همهٔ افراد و حق اساسی - بدون توجه به وجوه محدود کننده - در بحث یادداشتهای و مقالات انتخابی، در روزنامهٔ اول بیش از روزنامهٔ دوم است. روزنامه دوم تنها یک فراوانی در خصوص این موضوع داشته است.
- آزادی به عنوان حق اساسی همهٔ افراد و حقی که می‌تواند قدرت بسیج گروه‌های سیاسی و اجتماعی مختلف و شنیدن صداهای مختلف در جامعه را به همراه داشته باشد، در روزنامهٔ اعتماد ملی به طرز معناداری نسبت به روزنامهٔ کیهان بیشتر مورد بحث قرار گرفته است.

توجه به آزادی با شرایط خاص (توجه به آزادی به عنوان حق، اما با شرایط محدودیت‌هایی که وجوه محدود کننده حق برخورداری از آزادی را نشان دهد):

- سرمقاله: در سرمقاله‌های روزنامهٔ دوم از روزنامهٔ اول بیشتر دیده شده است.
- عنوان اصلی: توجه به آزادی با شرایط خاص (بحث دربارهٔ آزادی به عنوان حق اما با شرایط و محدودیت‌هایی که وجوه محدود کننده حق برخورداری از آزادی را نشان دهد)، در روزنامهٔ کیهان بیش از روزنامهٔ اعتماد ملی بوده است. در واقع در روزنامهٔ اعتماد ملی این موضوع محل بحث نبوده است.
- گزارش اصلی: توجه به آزادی با شرایط خاص (بحث دربارهٔ آزادی به عنوان حق اما با شرایط
- و محدودیت‌هایی که وجوه محدودکننده حق برخورداری از آزادی را نشان دهد)، در گزارشهای روزنامهٔ اول محلی نداشته، اما در روزنامهٔ دوم فراوانی بالایی دارد. این تفاوتها از نظر آماری معنادار است.
- مقاله و یادداشت: توجه به آزادی با شرایط خاص (بحث دربارهٔ آزادی به عنوان حق اما با شرایط و محدودیت‌هایی که وجوه محدود کننده حق برخورداری از آزادی را نشان دهد)، در بحث یادداشتهای و مقاله‌های انتخابی در روزنامهٔ دوم بیش از روزنامهٔ اول بوده است. روزنامهٔ اول، در این شاخص در حوزهٔ مورد بررسی مطلقاً فراوانی نداشته است. براساس نتیجهٔ آزمون کای اسکوئر، تفاوت موجود از نظر آماری معنادار است.

- در مجموع، روزنامه کیهان بیش از روزنامه اعتماد ملی به وجوه خاص و محدود آزادی (در اینجا توجه به وجوه خاص و محدود آزادی، الزاما به معنای منفی بودن آن نیست) توجه دارد.

توجه به قانون گرای (به عنوان یک امر مهم؛ فارغ از تعیین مصادیق و استفاده از آن که در متن بدان اشاره شده است):

- سرمقاله: در روزنامه اعتماد ملی بیش از سرمقاله‌های روزنامه کیهان مورد توجه بوده است.
- عنوان اصلی: توجه به قانون گرای (به عنوان یک امر مهم؛ فارغ از تعیین مصادیق و استفاده از آن که در متن بدان اشاره شده است) در عناوین هر دو روزنامه تا حد زیادی به هم نزدیک است و اندک تفاوت آنها، از نظر آماری معنادار نیست.
- گزارش اصلی: میزان توجه به قانون گرای (به عنوان یک امر مهم؛ فارغ از تعیین مصادیق و استفاده از آن که در متن بدان اشاره شده است)، در گزارشهای هر دو روزنامه به یکدیگر نزدیک است و تفاوتها معنادار نیستند.
- مقاله و یادداشت: توجه به قانون گرای (به عنوان یک امر مهم؛ فارغ از تعیین مصادیق و استفاده از آن که در متن بدان اشاره شده است) در بحث یادداشتها و مقاله‌های انتخابی، در روزنامه اول بیشتر از روزنامه دوم بوده و تفاوت موجود، براساس نتیجه آزمون کای اسکوئر، از نظر آماری معنادار است.
- در کل، هر دو روزنامه در سطحی یکسان به بحث قانون گرای پرداخته‌اند. اما در مقاله‌ها و یادداشتها، روزنامه اعتماد ملی بیش از کیهان به این موضوع اهمیت داده است این موضوع نشان می‌دهد که روزنامه اعتماد ملی قابلیت کمتری در خصوص گفتار پوپولیستی دارد.

توجه به احزاب سیاسی به عنوان بازیگر اصلی در امور سیاسی (فارغ از مصادیق یا تحلیلهای

دیگر و مثبت یا منفی ارزیابی کردن نقش نیروهای مشخص سیاسی در شرایط خاص):

- سرمقاله: در روزنامه اعتماد ملی بیش از سرمقاله‌های روزنامه کیهان مورد توجه بوده است.
- عنوان اصلی: توجه به احزاب سیاسی به عنوان بازیگر اصلی در امور سیاسی (فارغ از مصادیق و یا تحلیل‌های دیگر و مثبت یا منفی ارزیابی کردن نقش نیروهای مشخص سیاسی در شرایط خاص)، در عناوین روزنامه اول بیشتر از روزنامه دوم است. این اختلاف از نظر آماری در سطح 95 درصد معنادار است.
- گزارش اصلی: در بخش گزارشها اصلی، توجه به احزاب سیاسی به عنوان بازیگر اصلی در امور سیاسی (فارغ از مصادیق یا تحلیل‌های دیگر و مثبت یا منفی ارزیابی کردن نقش نیروهای مشخص سیاسی در شرایط خاص)، در روزنامه دوم (کیهان) بیش از روزنامه

اعتماد ملی نمود داشته است. این تفاوت از نظر آماری با استفاده از آزمون کای اسکوئر، معنادار نیست.

- مقاله و یادداشت: توجه به احزاب سیاسی به عنوان بازیگر اصلی در امور سیاسی (فارغ از مصادیق یا تحلیل‌های دیگر و مثبت یا منفی ارزیابی کردن نقش نیروهای مشخص سیاسی در شرایط خاص) در یادداشتها و مقاله‌های انتخابی روزنامه اول نسبت به روزنامه دوم نمود بیشتری داشته، اما تفاوت به دست آمده براساس نتیجه آزمون کای اسکوئر، از نظر آماری معنادار نیست.
- توجه به احزاب سیاسی تقریباً در هر دو روزنامه به یکسان مورد توجه بوده است. در واقع پذیرش نیروهای سیاسی موجود برای هر دو روزنامه با توجه به نزدیکی به انتخابات اهمیت یافته است. در عین حال بررسیها نشان می‌دهد که توجه به نیروهای سیاسی، هر چه به پایان سال نزدیک می‌شویم، بیشتر می‌شود. همچنین حال این موضوع به طور طبیعی با واکنش نیروهای سیاسی به حوادثی که رخ داده‌اند بیشتر می‌شود. کنگره‌های احزاب که در اواخر پاییز و زمستان 87 برگزار شد نیز ارتباط مستقیمی با پرداختن به بحث احزاب در نشریه‌های مورد بررسی دارد.

توجه به انتخابات به عنوان محلی برای رقابت سازمانهای سیاسی و احزاب (توجه به انتخابات به عنوان محل حضور سازماندهی شده نیروهای سیاسی):

- سرمقاله: در روزنامه اول (اعتماد ملی) بیش از روزنامه دوم (کیهان) در سرمقاله‌ها مورد نظر بوده است (در واقع در سرمقاله‌های روزنامه دوم اصلاً جایگاهی نداشته است)
- عنوان اصلی: توجه به انتخابات به عنوان محلی برای رقابت سازمانهای سیاسی و احزاب در
- گزارشهای روزنامه اول بیشتر از روزنامه دوم بوده است. تفاوت بین دو روزنامه در این خصوص از نظر آماری در سطح 95 درصد معنادار است.
- گزارش اصلی: توجه به انتخابات به عنوان محلی برای رقابت سازمانهای سیاسی و احزاب در گزارشهای روزنامه اول بیشتر از روزنامه دوم بوده است. تفاوت بین دو روزنامه در این خصوص از نظر آماری در سطح 95 درصد معنادار است.
- مقاله و یادداشت: شاخص توجه به انتخابات به عنوان محلی برای رقابت سازمانهای سیاسی و احزاب در بحث یادداشتها و مقاله‌های انتخابی، در روزنامه اول نسبت به روزنامه دوم دارد. براساس اعمال آزمون کای اسکوئر، این تفاوت از نظر آماری نمود بیشتری معنادار است.
- توجه به انتخابات به عنوان محلی برای رقابت‌های سیاسی و احزاب که ظاهراً، از نظر محتوا کاملاً متناقض با گرایشهای پوپولیستی است، در روزنامه اعتماد ملی به طرز معناداری بیش

از روزنامه کیهان بوده است. در واقع به نظر می‌رسد در این شاخص نیز روزنامه اعتماد ملی کمتر قابلیت توجه به رویکرد پوپولیستی دارد.

توجه به انتخابات به عنوان محل رقابت مردم (توجه به حضور سازماندهی نشده در انتخابات):

- سرمقاله: در روزنامه کیهان بیش از روزنامه اعتماد ملی مورد توجه قرار داشته است.
- عنوان اصلی: توجه به انتخابات به عنوان محلی برای رقابت مردم (توجه به حضور سازماندهی نشده در انتخابات)، در عناوین روزنامه دوم محل بحث نبوده است، اما در عناوین روزنامه اول تا حد زیادی نمایان بود.
- گزارش اصلی: توجه به انتخابات به عنوان محل رقابت مردم (توجه به حضور سازماندهی نشده در انتخابات)، در گزارشهای روزنامه اول نمودی نداشته، ولی در روزنامه دوم نمود خوبی داشته است. تفاوت موجود از نظر آماری معنادار است.
- مقاله و یادداشت: توجه به انتخابات به عنوان محل رقابت مردم (توجه به حضور سازماندهی نشده در انتخابات) در قسمت یادداشتهای مقاله‌های انتخابی، در روزنامه اول هیچ نمودی نداشته، در حالی که فراوانی آن در روزنامه دوم، 9 بوده است. براساس نتیجه آزمون کای اسکوئر، این تفاوت از نظر آماری معنادار است.
- نتایج بررسیها نشان می‌دهد که روزنامه کیهان بیش از روزنامه اعتماد ملی به بسیج توده ای در انتخابات پرداخته و آن را از این منظر مورد توجه قرار داده است.

توجه به دموکراسی به عنوان امری که نهادهای سیاسی و جامعه مدنی را در یک رقابت مشخص قدرت معنا می‌کند:

- سرمقاله: در سرمقاله‌های روزنامه اعتماد ملی بیشتر از روزنامه کیهان است.
- عنوان اصلی: توجه به دموکراسی، تنها در عنوان‌های روزنامه اول نمود داشته است.
- گزارش اصلی: در گزارشهای روزنامه اول توجه به دموکراسی و ساز و کارهای آن بیش از روزنامه دوم نمود داشته است. تفاوت موجود در این خصوص، از نظر آماری معنادار است.
- مقاله و یادداشت: شاخص توجه به دموکراسی در قسمت یادداشتهای مقالات انتخابی روزنامه اول بیشتر بوده، و اختلاف آن با روزنامه دوم براساس نتیجه آزمون کای اسکوئر، از نظر آماری معنادار است.

توجه به استفاده از روشهای دموکراتیک در رقابت سیاسی یا دستیابی به قدرت (وجود گفتمان غالب دموکراتیک):

- سرمقاله: در سرمقاله‌های روزنامه اول (اعتماد ملی) بیش از روزنامه دوم (کیهان) به چشم می‌خورد.
- عنوان اصلی: استفاده از روشهای دموکراتیک در رقابت سیاسی یا دستیابی به قدرت (وجود گفتمان غالب دموکراتیک)، تنها در روزنامه اول نمود داشته است.
- گزارش اصلی: توجه به استفاده از روشهای دموکراتیک در رقابت سیاسی یا دستیابی به قدرت (وجود گفتمان غالب دموکراتیک)، در گزارشهای روزنامه دوم وجود نداشته است، اما در روزنامه اول دیده می‌شود. این تفاوت، براساس نتیجه آزمون کای اسکوئر، معنادار است.
- مقاله و یادداشت: در قسمت یادداشتهای و مقاله‌های انتخابی شاخص توجه به استفاده از روشهای دموکراتیک در رقابت سیاسی یا دستیابی به قدرت (وجود گفتمان غالب دموکراتیک) در روزنامه اول نسبت به روزنامه دوم فراوانی بیشتری داشته اما براساس نتیجه آزمون کای اسکوئر، تفاوت موجود معنادار نیست.

افشاگری سیاسی (افشاگری مبتنی بر گروه‌ها یا روشها یا عمل سیاسی):

- سرمقاله: گرچه در سرمقاله‌های روزنامه دوم (کیهان) بیش از روزنامه اول (اعتماد ملی) به چشم می‌آید، این تفاوت در سطح 99 درصد معنادار نیست. با اینکه محاسبات نشان می‌دهد این تفاوتها در سطح 95 درصد معنادارند. در هر حال لازم است در بحث راجع به معناداری این تفاوت محتاط بوده و قاطعانه اظهار نظر نکرد.
- عنوان اصلی: در عنوان‌های روزنامه دوم بیش از روزنامه اول نمود داشته است. اما این تفاوت
- از نظر آماری معنادار نیست.
- گزارش اصلی: افشاگری سیاسی (افشاگری مبتنی بر گروه‌ها یا روشها یا عمل سیاسی)، در گزارشهای روزنامه دوم، بیش از روزنامه اول بوده است. در این خصوص، آزمون کای اسکوئر، تفاوت را معنادار ارزیابی کرده است.
- مقاله و یادداشت: افشاگری سیاسی (افشاگری مبتنی بر گروه‌ها یا روشها یا عمل سیاسی)، در بخش یادداشتهای و مقالات انتخابی، در روزنامه دوم بیش از روزنامه اول بوده است. این تفاوت از نظر آماری، براساس نتیجه آزمون کای اسکوئر، معنادار نیست.

افشاگری فردی

- سرمقاله: این موضوع تقریباً در سرمقاله‌های دو روزنامه مورد توجه نبوده است.
 - عنوان اصلی: در دو روزنامه تقریباً وجود ندارد.
 - گزارش اصلی: افشاگری در خصوص افراد، در گزارش‌های روزنامه دوم بارزتر از روزنامه اول است. تفاوت موجود بین دو روزنامه در این خصوص، از نظر آماری فقط در سطح 95 درصد معنادار است.
 - مقاله و یادداشت: در بخش یادداشتهای و مقاله‌های انتخابی، افشاگری در خصوص افراد در روزنامه دوم بیشتر از روزنامه اول است، اما اختلاف در سطحی نیست که معنادار باشد.
- مقایسه دولتها، از منظر اقتصادی، مستند و مبتنی بر آمار و ارقام و استفاده از مصادیق:**
- سرمقاله: سرمقاله‌های دو روزنامه، در بحث مقایسه دولتها از منظر اقتصادی، مستند و مبتنی بر آمار و ارقام و استفاده از مصادیق، تفاوت معناداری با هم ندارند.
 - عنوان اصلی: در عنوان روزنامه اول بیشتر از روزنامه دوم است. این تفاوت، از نظر آماری معنادار نیست.
 - گزارش اصلی: مقایسه دولتها از منظر اقتصادی، مستند و مبتنی بر آمار و ارقام و استفاده از مصادیق، در گزارش‌های دو روزنامه نزدیک به هم است. از این نظر، تفاوت معناداری بین دو روزنامه نیست.
 - مقاله و یادداشت: شاخص مقایسه دولتها از منظر اقتصادی، مستند و مبتنی بر آمار و ارقام و استفاده از مصادیق، در بخش یادداشتهای و مقالات انتخابی روزنامه اول نمود بیشتری داشته است. براساس نتیجه آزمون کای اسکوئر، تفاوت موجود از نظر آماری، در سطح 95 درصد معنادار است.

مقایسه دولتها، از منظر اقتصادی، کلی:

- سرمقاله: تفاوت معنادار و مشخصی بین دو روزنامه وجود ندارد.
- عنوان اصلی: تفاوت چندانی بین دو روزنامه نیست.
- گزارش اصلی: مقایسه دولتها، از منظر اقتصادی به صورت کلی، در گزارش‌های روزنامه اول وجود ندارد، ولی در روزنامه دوم دیده می‌شود. این تفاوت از نظر آماری در سطح 95 درصد معنادار است.

- مقاله و یادداشت: شاخص مقایسه دولتها از منظر اقتصادی، به صورت کلی، در بخش یادداشتها و مقاله‌های انتخابی روزنامه کیهان بیشتر است، اما اختلاف آنقدر نیست که بتوان معناداری آن را به اثبات رساند.

مقایسه دولتها، از منظر اجتماعی، مستند و با استفاده از مصادیق:

- سرمقاله: گرچه اعتماد ملی بیش از کیهان در سرمقاله‌های خود بدان پرداخته است، تفاوت معناداری بین این دو روزنامه در این خصوص وجود ندارد.
- عنوان اصلی: تقریباً در دو روزنامه در عنوانها کمتر مورد توجه بوده است.
- گزارش اصلی: مقایسه دولتها، از منظر اجتماعی، مستند و با استفاده از مصادیق، در گزارشهای هر دو روزنامه یکسان است.
- مقاله و یادداشت: شاخص مقایسه دولتها از منظر اجتماعی، مستند و با استفاده از مصادیق، در بخش یادداشتها و مقاله‌های انتخابی روزنامه اول بیشتر از روزنامه دوم است. براساس نتیجه آزمون کای اسکوئر، تفاوت موجود از نظر آماری معنادار نیست.

مقایسه دولتها، از منظر اجتماعی، کلی:

- سرمقاله: تفاوت معناداری بین دو روزنامه وجود ندارد.
- عنوان اصلی: در عنوانهای روزنامه اول (کیهان) مقایسه دولتها از منظر اجتماعی، به شکل کلی، نمود بیشتری داشته است. این تفاوت معنادار نیست.
- گزارش اصلی: مقایسه دولتها، از منظر اجتماعی، به صورت کلی، در گزارشهای روزنامه اول، کمتر از گزارشهای روزنامه دوم است. تفاوت موجود از نظر آماری در سطح 95 درصد معنادار است.
- مقاله و یادداشت: شاخص مقایسه دولتها، از منظر اجتماعی، به صورت کلی، در یادداشتها و مقاله‌های انتخابی روزنامه دوم نمود بیشتری داشته است. براساس نتیجه آزمون کای اسکوئر،
- تفاوت موجود در این خصوص معنادار نیست.

مقایسه دولتها، از منظر فرهنگی، کلی:

- سرمقاله: در سرمقاله‌های روزنامه کیهان بیش از روزنامه اعتماد ملی مورد توجه قرار گرفته است. این تفاوت نیز مانند شاخص قبلی از نظر آماری معنادار نیست.
- عنوان اصلی: تفاوتی بین دو روزنامه وجود ندارد.

- گزارش اصلی: مقایسه دولتها، از منظر فرهنگی به صورت کلی، در گزارشهای روزنامه دوم بیشتر از روزنامه اول است. این تفاوت در سطح 95 درصد، از نظر آماری معنادار است.
- مقاله و یادداشت: شاخص مقایسه دولتها از منظر فرهنگی، به شکل کلی، در یادداشتها و مقاله‌های انتخابی هر دو روزنامه نزدیک به هم و اندک است، لذا از نظر آماری نیز تفاوت معناداری را نشان نمی دهد.

مقایسه دولتها، سیاست خارجی:

- سرمقاله: سهم کیهان بیشتر است، ولی از نظر آماری معنادار نیست.
- عنوان اصلی: در عنوانهای هر دو روزنامه، نزدیک به هم است و تفاوت معناداری را نشان نمی دهد.
- گزارش اصلی: مقایسه دولتها در حوزه سیاست خارجی، در گزارشهای روزنامه اول کمتر از روزنامه دوم است. این تفاوتها معنادار نیست.
- مقاله و یادداشت: شاخص مقایسه دولتها در حوزه سیاست خارجی در بخش یادداشتها و مقاله‌های انتخابی روزنامه اعتماد ملی بیشتر از کیهان است. براساس نتیجه آزمون کای اسکوئر، تفاوت موجود از نظر آماری معنادار نیست.

مقایسه دولتها، سیاست داخلی:

- سرمقاله: دو روزنامه در سرمقاله‌های خود از این لحاظ تفاوت معناداری با هم ندارند.
- عنوان اصلی: در عنوانهای هر دو روزنامه، نزدیک به هم است و تفاوت معناداری را نشان نمی دهد.
- گزارش اصلی: گزارشهای روزنامه دوم بیش از روزنامه اول به شاخص مقایسه دولتها در حوزه سیاست داخلی اختصاص یافته است. اما تفاوت موجود، معنادار به نظر نمی رسد.
- مقاله و یادداشت: شاخص مقایسه دولتها در حوزه سیاست داخلی در بخش یادداشتها و مقاله‌های انتخابی، روزنامه اعتماد ملی نمود بیشتری دارد، اما تفاوت اندک آن با روزنامه کیهان
- در این خصوص، بیانگر معنادار نبودن آن است.

توجه به زندگی خصوصی افراد با رویکرد مثبت (برای بالابردن جایگاه فرد در افکار عمومی):

- سرمقاله: در سرمقاله‌های دو روزنامه بسیار اندک است.
- عنوان اصلی: تقریباً در دو روزنامه در عنوانها مورد توجه نبوده است.

- گزارش اصلی: توجه به زندگی خصوصی افراد با رویکرد مثبت (برای بالابردن جایگاه فرد در افکار عمومی)، در هر دو روزنامه‌اندک و فاقد تفاوت معنادار است.
- مقاله و یادداشت: شاخص توجه به زندگی خصوصی افراد با رویکرد مثبت (برای بالابردن جایگاه فرد در افکار عمومی) در بخش یادداشتهای و مقاله‌های انتخابی روزنامه کیهان بیشتر از روزنامه اعتماد ملی است. براساس نتیجه آزمون کای اسکوئر، از نظر آماری، تفاوت موجود در سطح 95 درصد معنادار است.

توجه به زندگی خصوصی افراد با رویکرد منفی (برای منفی جلوه دادن فرد نزد افکار عمومی):

- سرمقاله: در سرمقاله‌های دو روزنامه وجود نداشته است.
- عنوان اصلی: در روزنامه دوم مورد توجه قرار نگرفته و در روزنامه اول نیز در موارد بسیار معدودی مورد نظر بوده است. در این حالت تفاوتها هم معنادار نیستند.
- گزارش اصلی: توجه به زندگی خصوصی افراد با رویکرد منفی (برای منفی جلوه دادن فرد نزد افکار عمومی)، در گزارشهای روزنامه دوم بیشتر از روزنامه اول است. نتیجه آزمون کای اسکوئر نیز نشان می‌دهد که این تفاوت از نظر آماری، در سطح 95 درصد معنادار است.
- مقاله و یادداشت: توجه به زندگی خصوصی افراد با رویکرد منفی (برای منفی جلوه دادن فرد نزد افکار عمومی) در بخش یادداشتهای و مقاله‌های انتخابی روزنامه دوم نمود بیشتری داشته است. تفاوت موجود، براساس نتیجه آزمون کای اسکوئر، از نظر آماری معنادار است.

توجه به سیاست به عنوان امری مهم و مثبت در زندگی فردی و اجتماعی:

- سرمقاله: سرمقاله‌های دو روزنامه تفاوت معناداری با یکدیگر نشان نمی‌دهند.
- عنوان اصلی: چندان مورد توجه نبوده است.
- گزارش اصلی: توجه به سیاست به عنوان امری مهم و مثبت در زندگی فردی و اجتماعی، در گزارشهای روزنامه مورد بررسی‌اندک است، اما روزنامه اعتماد ملی بیش از کیهان بدان پرداخته است. تفاوت موجود از نظر آماری معنادار نیست.
- مقاله و یادداشت: شاخص توجه به سیاست به عنوان امری مهم و مثبت در زندگی فردی و اجتماعی، در بخش یادداشتهای و مقاله‌های انتخابی روزنامه کیهان نمودی نداشته است. تفاوت موجود براساس نتیجه آزمون کای اسکوئر، از نظر آماری معنادار است.

توجه به سیاست به عنوان امری مذموم و منفی در زندگی فردی و اجتماعی:

- سرمقاله: تقریباً در سرمقاله‌های هر دو روزنامه مورد توجه نبوده است.

- عنوان اصلی: چندان مورد توجه نبوده است.
- گزارش اصلی: توجه به سیاست به عنوان امری مذموم و منفی در زندگی فردی و اجتماعی (بی پدر و مادری سیاست از بُعد منفی)، تنها در یکی از گزارشهای روزنامه دوم مشاهده شده است.
- مقاله و یادداشت: شاخص توجه به سیاست به عنوان امری مذموم و منفی در زندگی فردی و اجتماعی (بی پدر و مادری سیاست از بُعد منفی) در بخش یادداشتها و مقاله‌های انتخابی فقط یک بار در روزنامه کیهان مشاهده شده است.

توجه به سازماندهی اجتماعی به عنوان امری مثبت (لازم و درست برای زندگی اجتماعی):

- سرمقاله: در سرمقاله‌های روزنامه کیهان مورد توجه نبوده و توجه به آن در اعتماد ملی نیز باعث ایجاد تفاوت معناداری نشده است.
- عنوان اصلی: تقریباً مورد توجه نبوده است.
- گزارش اصلی: پرداختن به سازماندهی اجتماعی به عنوان امری مثبت (لازم و درست برای زندگی اجتماعی) در گزارشهای هر دو روزنامه در حد کم اما نزدیک به هم مورد توجه بوده است.
- مقاله و یادداشت: توجه به سازماندهی اجتماعی به عنوان امری مثبت (لازم و درست برای زندگی اجتماعی) در یادداشتها و مقاله‌های انتخابی روزنامه اعتماد ملی نمود بیشتری داشته است. با این حال، براساس نتیجه آزمون کای اسکور، این تفاوت از نظر آماری معنادار نیست.

توجه به سازماندهی اجتماعی به عنوان امری منفی:

- سرمقاله: تقریباً در روزنامه‌های مورد بررسی مورد توجه نبوده است.
- عنوان اصلی: تقریباً مورد توجه نبوده است.
- گزارش اصلی: شاخص توجه به سازماندهی اجتماعی به عنوان امری منفی در گزارشهای روزنامه اول نمودی نداشته، اما در روزنامه دوم 6 فراوانی داشته است. این تفاوت، در سطح 95 درصد معنادار است.
- مقاله و یادداشت: توجه به سازماندهی اجتماعی به عنوان امری منفی، در هیچ یک از یادداشتها و مقاله‌های انتخابی دو روزنامه نمودی نداشته است.

توجه به سازمانهای مردم نهاد، رویکرد غالب مثبت:

- سرمقاله: توجه به سازمانهای مردم نهاد، رویکرد غالب مثبت، تنها در سرمقاله‌های روزنامه اول (اعتماد ملی). این تفاوت بین دو روزنامه، از نظر آماری تنها در سطح 95 درصد معنادار است.

- عنوان اصلی: در روزنامه اول نمود داشته است. تفاوت دو روزنامه در این شاخص، در سطح 95 درصد معنادار است.
- گزارش اصلی: شاخص توجه به سازمانهای مردم نهاد، با رویکرد غالب مثبت، در گزارشهای روزنامه دوم وجود نداشته، اما در روزنامه اول مواردی مشاهده شده است. تفاوت موجود در سطح 95 درصد معنادار است.
- مقاله و یادداشت: توجه به سازمانهای مردم نهاد، با رویکرد غالب مثبت، در بخش یادداشتها و مقاله‌های انتخابی روزنامه اعتماد ملی نمود بیشتری داشته است. براساس نتیجه آزمون کای اسکوئر، تفاوت موجود از نظر آماری معنادار است.

توجه به سازمانهای مردم نهاد، رویکرد غالب منفی:

- سرمقاله: تقریباً در هر دو روزنامه مورد توجه نبوده است.
- عنوان اصلی: تقریباً مورد توجه نبوده است.
- گزارش اصلی: شاخص توجه به سازمانهای مردم نهاد، با رویکرد غالب منفی در گزارشهای روزنامه اول وجود نداشته است. تفاوت موجود در این خصوص از نظر آماری در سطح 95 درصد معنادار است.
- مقاله و یادداشت: توجه به سازمانهای مردم نهاد، با رویکرد غالب منفی در بخش یادداشتها و مقاله‌های انتخابی روزنامه اعتماد ملی اصلاً وجود نداشته، اما روزنامه کیهان در مواردی بدان پرداخته است. این تفاوت، در سطح 95 درصد معنادار است.

توجه به سازمانهای مردم نهاد، بدون رویکرد مثبت یا منفی غالب

- سرمقاله: در هر دو روزنامه مورد توجه نبوده است.
- عنوان اصلی: در عنوانهای روزنامه اول در مواردی دیده شده و در روزنامه دوم وجود نداشته است. این تفاوت در سطح 95 درصد معنادار است.
- گزارش اصلی: شاخص توجه به سازمانهای مردم نهاد، بدون رویکرد مثبت یا منفی غالب، در گزارشهای روزنامه اول بیشتر از روزنامه دوم است، با این حال، تفاوت موجود از نظر آماری معنادار نیست.
- مقاله و یادداشت: توجه به سازمانهای مردم نهاد، بدون رویکرد مثبت یا منفی غالب، در اندک مواردی در بخش یادداشتها و مقالات انتخابی هر دو روزنامه دیده می‌شود.

بررسیها نشان می‌دهد که توجه به پوپولیسم با استفاده از تصاویر و متن در سال 87، به واسطه شرایط خاص سیاسی آن دوران و بحث داغ انتخابات، بیشتر حول محور انتخابات شکل گرفته است. تهییج افکار به ویژه با استناد به حرکت نیروهای سیاسی، انتقاد متقابل و شور و هیجان انتخاباتی (که هرچه به پایان سال نزدیک می‌شویم بیشتر می‌شود)، کنگره‌های احزاب، اظهار نظرهای سیاسی و نظایر آن شکل می‌گیرد.

این بررسی همچنین نشان می‌دهد که افزایش توجه به عناصر هیجان آور و تهییج کننده سیاسی و اجتماعی رابطه مستقیمی با تحولات سیاسی و اجتماعی داشته و روزنامه‌ها به طور طبیعی به آن واکنش نشان داده‌اند.

این بررسیها نشان داد که روزنامه کیهان بیش از روزنامه اعتماد ملی آمادگی توجه به مقولاتی را دارد که به نوعی تأیید و تأکید بر گفتار پوپولیستی محسوب می‌شود. در واقع قابلیت گرایش به پوپولیسم رسانه‌ای در روزنامه کیهان بیشتر است.

همچنین براساس بررسی حاضر تهییج در روزنامه اعتماد ملی کمتر از روزنامه کیهان به عناصر عامه پسندی مانند افشاگریهای شخصی گرایش دارد.

پیشنهادات

پیشنهاد می‌شود کنترل متمرکز سیاسی یا دولتی رسانه‌ها تعدیل شود.

حق دسترسی به رسانه‌ها برای همه یکسان باشد.

رسانه‌ها در درجه اول متعلق به مخاطبان خود باشند؛ نه سازمانهای رسانه‌ای یا مشتریان رسانه‌ها.

حق داشتن رسانه برای گروه‌ها و سازمان‌ها و اجتماعات محلی به رسمیت شمرده شود.

منابع فارسی

- آقابخش، ع و افشاری راد، م. (1374). **فرهنگ علوم سیاسی**، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، بهار.
- اغصان، ع ر. (1384). **دانش نامه در علم سیاست**، تهران: انتشارات فرهنگ صبا،
- تاگارت، پ. (1381). **پوپولیسم**، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: انتشارات آشیان.
- شایان مهر، ع ر. (1379). **دائرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی**، تهران: کیهان.
- موسوی ملکی، م ج. (1383). **جامعه توده‌وار**، قم: برگ طوبی، چاپ اول.
- میرزاخانی، م. گامبون، ل. **پوپولیسم چیست**، روزنامه تهران امروز، 87/3/15.
- مولانا، ح. **فرهنگ عمومی**، روزنامه کیهان، 1386/10/6.
- مک کویل، د. (1382). **درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی**، پرویز اجلالی، مرکز مطالعات رسانه تهران: چاپ اول.
- هانا، آ. (1366). **توتالیتریسیم**، ترجمه محسن ثلاثی، چ دوم، تهران: جاویدان،

منابع انگلیسی

- Schiller, H. (1976). *I. Communication and Cultural Domination*. M.E. Sharpe.
- E, S. (1956). *The Torment of secrecy: The Background and consequences of American security policies*, (Glencoe: Free press).
<http://www.hashgah.net/modules.php?name=News> and file=article and Sid=22681
- Di, T. T. S, (1997). *Populism in the twenty-first century*, *Government and Opposition*, 32:187-200,
- Kazin, M. (1995). *The populist Persuasion an American History*.? New York: Basic Book,
- Kitching, G. (1989). *Development and Underdevelopment in Historical Perspective: Populism, Nationalism and Industrialization*, rev.edn. London: Routledge,
- Lipset, S.m.and Raab, E. (1971). *The Politics of Unreason: Right-Wing Extremism in America, 1790-1970*.London: Heinemann,
- Bell, D. (1963). *The Radical Right*. New York: Anchor,
- <http://33pol.wordpress.com/2009/08/31/>
- <http://alfritz.blogspot.com/2010/07/alfred-rose-song-lyrics-s-t.html>